



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۹	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۰۹
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث هفتم: علم اجمالی				
عنوان ۳	حجیت علم اجمالی در مقام امتثال				
عنوان ۴	مبحث اول: امتثال اجمالی در توصیلات مبحث دوم: امتثال اجمالی در عبادیات در مواردی که امتثال موجب تکرار نشود				
عنوان ۵	ادله قائلین به کفایت امتثال اجمالی در عبادیاتی که منجر به تکرار نمی شود				
عنوان ۶	تقریب میرزای نائینی <small>رحمته الله</small>				

گفتیم در منجزیت علم اجمالی دو بحث وجود دارد؛ یکی حجیت علم اجمالی در اثبات تکلیف و دیگری حجیت علم اجمالی در رفع تکلیف و فراغ ذمه از تکلیف؛ و گفتیم بحث حجیت علم اجمالی در اثبات تکلیف را - چه در مرحله حرمت مخالفت قطعی و چه در مرحله وجوب موافقت قطعی - در مباحث احتیاط بیان خواهیم نمود. در اینجا به حجیت علم اجمالی در مقام رفع تکلیف (مقام امتثال) بحث می کنیم.

حجیت علم اجمالی در مقام امتثال

این بحث نیز دارای سه بخش است. وقتی بحث حجیت علم اجمالی در مقام امتثال مطرح می شود، گاه در توصیلات بحث می شود و گاه در عبادات در مواردی که از امتثال اجمالی تکرار لازم نمی آید و گاه نیز در موردی بحث می شود که از امتثال اجمالی در عبادت، تکرار لازم می آید؛ بنابراین در این بحث، سه مبحث وجود دارد:

مبحث اول: امتثال اجمالی در توصیلات

در اینجا اختلافی نیست بین اصولیین و فقها که امتثال اجمالی در توصیلات کافی است؛ زیرا در توصیلات چیزی غیر از اتیان مأموریه به ذمه عبد تعلق نگرفته است و اگر اجمالاً امتثال کرده و چند فعل انجام دهد که بداند در میان این فعل هایی که انجام داده، مأموریه وجود دارد، با این کار، امتثال مأموریه انجام گرفته و هنگامی که مأموریه تحقق خارجی پیدا کند، اطاعت تحقق پیدا کرده و فراغ از ذمه تحقق پیدا کرده است و دیگر مولا چیزی از عبد طلب کار نیست تا اینکه بخواهد گفته شود امتثال اجمالی در اینجا کافی نیست.

بنابراین در توصیلات، امتثال اجمالی قطعاً منجز است و جای بحث نیز وجود ندارد؛ زیرا در توصیلات، شرط قصد قربت یا قصد وجه یا تمییز و امثال آن معتبر نیست؛ لذا به هر شکلی که فعل را اتیان کند، امر مولا امتثال شده است و فراغ ذمه حاصل شده است ولو اینکه در ضمن چند فعل انجام گرفته باشد.

مبحث دوم: امتثال اجمالی در عبادیات در مواردی که امتثال موجب تکرار نشود

این مورد مانند جایی که مکلف، در جزئیت جزئی و یا شرطیت شرطی در عبادت شک کند و عبادت را با آن جزء و شرط امتثال کند. به عبارت دیگر بحث در مواردی است که امر دائر بین اقل و اکثر است که امتثال اجمالی، موجب تکرار نمی شود؛ بلکه اکثر را انجام می دهد و با اتیان اکثر، می داند که واجب را انجام داده است؛ مأموره یا اقل است و یا اکثر که هر دو انجام گرفته است؛ لذا در این مورد امتثال اجمالی انجام گرفته است. مانند اینکه شک کند در اینکه تسبیحات اربعه را باید سه بار بگوید یا یک بار کافی است و احتیاطاً سه بار بگوید و این تسبیحات چون ذکر خداست، مخل به نماز نیست؛ اما اگر مورد از مواردی باشد که اکثر آن، مخل به صلاة است، دیگر از موارد اقل و اکثر نیست؛ بلکه متباینین می شود که در امتثال اجمالی تکرار لازم می آید.

ادله قائلین به کفایت امتثال اجمالی

در این گونه موارد که امتثال اجمالی در عبادات، موجب تکرار نشود، تقریباتی برای اثبات کفایت امتثال اجمالی بیان شده است:

تقریب میرزای نائینی رضوان الله تعالی علیه

این تقریب، بر سه مقدمه مبتنی است:

مقدمه اول:

شکی در این نیست که آنچه می تواند مانع باشد برای فراغت ذمه به وسیله امتثال اجمالی که موجب تکرار در عبادیات نشود، اشتراط قصد وجه و تمییز^۱ است؛ یا به تعبیر ایشان: «اشتراط قصد الوجه و معرفة الوجه» است؛ لذا اگر

۱. قصد وجه یعنی به وجه مطلوبیت. تمییز به این معناست که بداند مطلوب، این فعل است و نه آن؛ یا به تعبیر ایشان: «قصد وجه و معرفت آن» یعنی مکلف بداند آنچه را که انجام می دهد، مطلوب مولا است؛ مثلاً اقل را به عنوان مطلوبیت برای خدا انجام بدهد (که این قصد وجه است) و بداند که آنچه مطلوب است، همین اقل است؛ نه اکثر. معمولاً قصد وجه و تمییز، متلازمین هستند؛ ولی قصد وجه، یک حیثیت دارد و قصد تمییز، حیثیت دیگری. قصد تمییز این است که مکلف بگوید این است؛ نه آن؛ قصد وجه این است که مکلف بگوید این مطلوب است، نه آن؛ اما ممکن است هر دو فعل مطلوب باشد؛ اما چون علم اجمالی وجود دارد که یکی از آن دو مطلوب است، لذا قصد تمییز نیز در اینجا می آید. و از طرفی نیز ممکن است مکلف بداند که مطلوبیت در اقل منحصر است؛ اما آن را به قصد مطلوبیت نیاورد؛ لذا قصد وجه نیز علاوه بر قصد تمییز، لازم است.

قصد وجه و تمییز لازم باشد، مکلفی که نمی داند اقل وظیفه او بوده و یا اکثر، قصد وجه از او متأتی نمی شود و نمی تواند بگوید من این اقل را به عنوان مأموریه می آورم و یا این اکثر را؛ لذا امتثال او، امتثال بدون اتیان به وجه مطلوبیت است؛ لذا این امتثال، موجب فراغت ذمه نمی شود.

مقدمه دوم:

شکی نیست در اینکه ما هرچه در منابع دینی گشته ایم، دلیلی که بر اعتبار قصد وجه و تمییز در عبادیات نیافته ایم. این مضمون که افعال را قربه الی الله بیاورید وجود دارد؛ اما اینکه با قصد وجه و تمییز باشد دلیلی وجود ندارد. قصد قربت، غیر از قصد وجه است؛ قصد قربت به این معناست که مکلف، افعال را به قصد اینکه خدای متعال امر کرده است انجام دهد و ممکن است قصد قربت، قصد قربت کلی باشد و چند عمل را انجام دهد که یکی از آنها که مقرب باشد، در این صورت، قصد قربت حاصل شده است. قصد قربت، یعنی قصد امتثال امر؛ و در امتثال اجمالی، مکلف می داند که یکی از افعالی که به جا آورده، مأموریه است؛ اما اگر بگوییم قصد وجه یا تمییز معتبر است، قصد وجه به این معناست که این فعل خاص را «بما هو مطلوب» انجام دهد و قصد تمییز این است که این فعل خاص را «بما هو مطلوب بخاصه لا غیره»، انجام دهد؛ که این، از ادله استفاده نمی شود؛ لذا مکلف می تواند بدون اینکه قصد وجه و قصد تمییز کند، قصد قربت داشته باشد.

ان قلت: ممکن است کسی بگوید که فقها از قدیم، قائل به قصد وجه بوده اند.

پاسخ: ایشان می فرماید این قولی که از فقها در اعتبار قصد وجه نقل شده است، بما هم فقها نبوده است، بلکه بما هم متکلمین بوده است. یعنی یک بحث کلامی وجود دارد و یک بحث فقهی. در بحث کلامی شاید کسی بگوید برای اینکه عبد منقاد و مطیع مولا باشد و مولا حجتی بر او نداشته باشد، عبد باید فعل را همراه با قصد وجه امتثال کند. اما بحث ما در فقه، درباره اجزاء و عدم اجزاء است؛ بحث در فقط، بحث سقوط یا عدم سقوط تکلیف است. لذا ایشان می فرماید اگر در گذشته فقیهی قائل به اعتبار قصد وجه شده است، بما هو متکلم قائل به اعتبار آن شده؛ نه بما هو فقیه. (گرچه بر قصد وجه، از لحاظ کلامی نیز دلیلی وجود ندارد).

مقدمه سوم:

در خصوص این مورد، «عدم الوجدان، یدل علی عدم الوجود».

قاعده معروف این است که «عدم الوجدان، لا یدل علی عدم الوجود»؛ اما ایشان می فرماید این قاعده در اینجا صدق نمی کند و در چنین موردی که مورد بحث ماست، «عدم الوجدان، یدل علی عدم الوجود»؛ زیرا مسأله اعتبار قصد وجه و تمییز در عبادات، از اموری بوده که مبتلی به مردم بوده است و مردم روزی چند مرتبه نماز می خواندند و ماه رمضان

روزه می گرفتند و... اگر بنا بود قصد وجه و تمییز معتبر باشد، باید آنقدر روایت در این زمینه وجود می داشت که به ما برسد؛ لذا در این مورد که شدیداً مورد ابتلای مردم بوده است، «عدم الوجدان، يدلّ علی عدم الوجود»^۱.
با این مقدمات سه گانه، اثبات می شود که قصد وجه و تمییز معتبر نیست؛ [لذا امتثال اجمالی در مواردی که موجب تکرار در عبادت نشود، موجب فراغ ذمه می شود].

این دلیل نقلی ای بود که مرحوم میرزا به آن اشاره می کنند؛ همچنین ایشان به دلیل عقلی ای نیز اشاره می کنند به این بیان که عقل، بیش از امتثال امر مولا، چیزی بر ذمه عبد نمی داند؛ یعنی عقلاً بر ذمه مولا چیزی نیست، مگر اینکه آنچه مولا گفته انجام بده، انجام دهد؛ و فرض بر این است که مکلف در جایی که امتثال اجمالی انجام می دهد، آنچه مولا خواسته را اتیان کرده است.

اشکال حضرت امام رحمته الله علیه بر بیان مرحوم میرزا

حضرت امام رحمته الله علیه اشکالی بر دلیل نقلی مرحوم میرزا دارند که اشکال دقیقی است. ایشان می فرماید شما با این بیان و تقریبی که ارائه دادید، از بحث خارج شدید و این سبک بحث، خروج از محل نزاع است.
محل نزاع در کفایت امتثال اجمالی، در جایی است که این امتثال اجمالی، تمام شروط و قیود مأموریه در آن آورده شود؛ بحث جایی است که اگر تمام قیود و شروط مأموریه در امتثال اجمالی آورده شد، آیا این امتثال اجمالی - مانند امتثال تفصیلی - موجب فراغت ذمه می شود یا خیر؟ اما شما بحث را بردید در جایی که می فرمایید دلیلی بر اعتبار قصد وجه و تمییز نیست؛ لذا امتثال اجمالی کفایت می کند؛ اما این خارج از محل بحث است.
امام می فرماید اینکه بحث را بر این مبتنی کنید که آیا دلیلی بر قصد وجه و تمییز وجود دارد یا خیر، صحیح نیست. بحث این است که فرض کنید دلیلی [بر قصد وجه و تمییز] وجود ندارد، حال آیا امتثال اجمالی کفایت می کند یا خیر؟ مقصود از امتثال اجمالی، امتثال همان چیزی است که در امتثال تفصیلی اتیان می شود؛ منتهی آن را به صورت اجمال امتثال کند؛ بعد از فراغ از اینکه مأموریه چیست و چه شرطی در آن معتبر است. بعد از فراغ از اینکه این واجب، با تمام اجزاء و شرایطش اتیان شده، این سوال پیش می آید که آیا این اتیان اجمالی، مجزی است یا خیر؟ والا اگر بگویید این امتثال اجمالی چون شرط ندارد، مجزی نیست خارج از محل بحث ماست. اینکه شما می گوید چنین می شود که کسی که می گوید امتثال اجمالی مجزی نیست، می گوید چون امتثال اجمالی موجب می شود که شرط وجه و تمییز حاصل نشود، لذا مجزی نیست؛ اما این خارج از محل بحث است.

آنکه می گوید امتثال اجمالی مجزی نیست، نمی گوید به این دلیل مجزی نیست که شرطی یا جزئی از آن واجب مأموریه در امتثال اجمالی محقق نشده؛ بلکه این مسأله را مفروغ عنه قرار می دهد که در امتثال اجمالی، تمام شروط مأموریه اتیان شده است؛ و تنها فرق آن با امتثال تفصیلی این است که این امتثال اجمالی است و آن تفصیلی؛ پس این نحو بحثی که میرزا پیش کشیده و کفایت امتثال اجمالی را بر اعتبار قصد وجه و تمییز کرده است صحیح نیست.

بحث ما حتی در جایی که گفته شود قصد وجه و تمییز معتبر نیست نیز وجود دارد که آیا امثال اجمالی، کفایت می‌کند یا خیر؟ و همچنین اگر گفتید قصد وجه و تمییز معتبر است و مکلف نیز آنها را امثال کرد، آیا امثال اجمالی کفایت می‌کند یا خیر؟

به طور خلاصه بحث در این است که آیا امثال اجمالی تکلیف - علی ما هو علیه - با تمام شرایطش، کفایت از امثال تفصیلی می‌کند یا خیر؟ اینکه شما بفرمایید چون امثال اجمالی، شرط را محقق نمی‌کند پس لذا کافی نیست، این خروج از محل بحث است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین